

عہدِ عتیق

جلد اول

کتابی شریعت یا فرائض

بر اساس کتاب مقدس اورشلیم

ترجمہ پیروز سیار



عنوان قراردادی:	کتاب مقدس، عهد عتیق، اسفار پنجگانه، فارسی
عنوان و نام پدیدآور:	عهد عتیق، اسفار پنجگانه، کتاب مقدس اورشلیم/ترجمه پیروز سیار
مشخصات نشر:	تهران: هرمس، ۱۳۸۳
مشخصات ظاهری:	۸۰/۸ ص.: مصور
شابک:	۹۵۴-۹۵۴-۳۶۳-۹۶۴-۱۰ ج. ۱
وضعیت فهرست‌نویسی:	فپا
یادداشت:	عنوان اصلی: Pentateuque
مندرجات:	ج. ۱. کتابهای شریعت، یا، تورات...
موضوع:	کتاب مقدس، عهد عتیق، اسفار پنجگانه
موضوع:	کتاب مقدس، عهد عتیق، اسفار پنجگانه -- ترجمه
شناسه افزوده:	سیار، پیروز، ۱۳۳۹ - مترجم
رده‌بندی کنگره:	BS ۱۲۲۵/ع ۹ ۱۳۹۳
رده‌بندی دیویی:	۲۲۲/۱۰۷
شماره کتابشناسی ملی:	۳۵۲۴۶۳۲

مترجمان کتابهای شریعت از عبری به فرانسه عبارتند از:

پیدایش: ر. دو وو (R. de Vaux)

خروج: ب. کوزوایه (B. Couroyer)

لاویان، اعداد، تثنیه: ه. کازل (H. Cazelles)

تصاویر کتاب اثر هنرمند فرانسوی گوستاو دوره (Gustave Doré) است.

انتشارات هرمس

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از میدان ولیعصر، پلاک ۲۴۹۳

تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴

L'Ancien Testament: le Pentateuque

À partir de la Bible de Jérusalem

Traduction française par Pirouz Sayar

عهد عتیق: کتابهای شریعت یا تورات

بر اساس کتاب مقدس اورشلیم

ترجمه پیروز سیار

• چاپ اول ۱۳۹۳ تهران • حروفچینی، نمونه خوانی و صفحه‌آرایی: پیروز سیار

• طراحی جلد و خوشنویسی: مسعود نجابی • اسکن تصاویر و لیتوگرافی: علی

• چاپ: چاپخانه انتشارات سروش • صحافی: علی • تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

ISBN 978-964-363-904-4

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۳-۹۰۴-۴

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست کوتاه مطالب

۱۷	 دیباچه مترجم
۵۱	 فهرست کتاب مقدس دانی
۵۳	 فهرست کتاب مقدس یوحنا
۵۵	 کتاب مقدس اورشلیم
۶۳	 علامتهای اختصاری و سایر نشانه‌ها
۶۷	 درآمدی بر کتاب مقدس
۷۳	 درآمدی بر عهد عتیق
۱۰۱	 مقدمهٔ تورات
۱۲۵	 پیدایش
۲۹۳	 خروج
۴۱۷	 لاویان
۴۹۷	 اعداد
۶۰۷	 تثبیه
۷۰۷	 فهرست پانوشتهای کلیدی
۷۱۳	 فهرست اعلام تورات
۷۳۷	 اسامی خاص تورات (فارسی-عربی-انگلیسی-فرانسه)
۷۶۹	 اسامی خاص تورات (فرانسه-انگلیسی-عربی-فارسی)
۸۰۱	 نقشه‌ها

دیباجه مترجم

کتاب مقدس اثری فراتر از یک کتاب است و کتابخانه‌ای حقیقی است که در سنت کلیسای کاتولیک از یاد و سه نوشته تشکیل شده است. این نوشته‌ها دارای حجم‌های متفاوتی هستند و در کدگذاری و منشأ و تاریخ خاص خود را دارد. پاره‌ای به عبری نگاشته شده‌اند و پاره‌ای به یونانی. کتاب مقدس از بخش بزرگ تشکیل شده است که تحت عنوان «عهد عتیق» و «عهد جدید» شناخته می‌شوند. عهد عتیق شامل نوشته‌های یهودی است، اما علاوه بر یهودیان، مسیحیان نیز آن را کتاب آسمانی خود می‌شمارند. عهد جدید مشتمل بر نوشته‌هایی است که به مسیحیان اختصاص دارند. یهودیان عهد عتیق را تَنَخ^(۱) می‌نامند که نامی اختصاری است و بر اساس عناوین سه بخش کتاب دینی آنان ساخته شده است که عبارتند از: توره^(۲) (شریعت)، نبییم^(۳) (پروphet) و کتوبیم^(۴) (مکتوبات). از هفتاد و سه نوشته‌ای که کتاب مقدس را می‌سازند، چهل و سه به عهد عتیق و بیست و هفت عدد به عهد جدید تعلق دارند.

این نوشته‌ها بسیار متنوع هستند و پیشینیان بر این نکته به خوبی تأکید کردند. از این روی، در ابتدا رسم بر آن بود که در زبان یونانی این مجموعه را biblia می‌نامیدند. «کتابها» می‌نامیدند. این نام آنگاه که از طریق ترجمه به زبان لاتینی راه پیدا کرد به صورت biblia آوانگاری شد، مفرد در نظر آمد و معنی «کتاب» را افاده کرد. بعدها در

(1) TANAK

(2) Torah

(3) Nebiim

(4) Ketubim

زبان یونانی نیز صورت جمع *ta biblia* تبدیل به صورت مفرد *he biblia* به معنی «کتاب» شد. این تغییر زبانی حکایت از آن دارد که کتاب مقدس به رغم کثرت ظاهری خود، دارای نوعی وحدت مضمونی شمرده می‌شد و اثری یکپارچه در نظر می‌آمد. عنوان لاتینی *biblia* به تدریج به زبانهای اروپایی راه یافت و به فرانسه و انگلیسی *Bible*، به ایتالیایی *Bibbia*، به آلمانی *Bibel* و به اسپانیایی *Biblia* خوانده شد.

نوشته‌های کتاب مقدس بر اساس منشأ و مضمون خود، در دو بخش کلی رده‌بندی شدند که یکی عهد عتیق و دیگری عهد جدید است. عهد عتیق میراث دینی برجای مانده از یهودیت است که طی زمانی طولانی، از سده دوازدهم تا اول ق م، تدوین شده و دربرگیرنده کتب تاریخی و آموزه‌های دینی و اخلاقی قوم یهود است. به‌هوّه در مرکز متنی آن قرار دارد و عهدی که با قوم خود منعقد می‌کند، محور تمامی شرح و بسطهای بعدی می‌شود.

عهد در کتاب مقدس

مضمون مرکزی کتاب مقدس که در سراسر متن آن به صورت مشهودی به چشم می‌خورد، مضمون حضور خداوند و رابطه او با قوم یهود است که با ایشان عهد بسته است. واژه «عهد» که در عبری *berît*، در یونانی *diathèkē* و در لاتینی *testamentum* خوانده می‌شود، در کتاب مقدس دلالت بر پیمان دارد. از یک سو، مبین معاهدات میان اقوام یا انسانها است و از دیگر سو، بیانگر رابطه خداوند با انسان است.

عهدهای انسانی در مواضع مختلف کتاب مقدس به وضوح دیده می‌شود. این عهدها میان افراد (پی: ۲۱/۲۲-۳۲؛ ۴۴/۳۱-۵۴؛ ۱ سم: ۱۸/۳-۲۸/۳۰)، حکومتها یا نمایندگانشان (۲ سم: ۱۳/۳-۲۱؛ ۱ پا: ۵/۲۶؛ ۱۹/۱۵؛ ۲۰/۳۴) یا خداوند و رعایا (۲ سم: ۵/۳؛ ۲ پا: ۱۱/۴، ۱۷)، همسران (حز: ۱۶/۸؛ مل: ۲/۴؛ ام: ۱/۱) منعقد می‌شوند. این عهدها که سبب ایجاد دوستی و مودت میان آدمیان می‌شوند، دارای بُعد دینی نیز هستند، چرا که خدا گواه آنها است.

عهد الهی نتیجه حضور خدا در سراسر تاریخ بشر است که از آفرینش انسان آغاز

می‌شود. این عهد به اراده خدا منعقد می‌گردد و او است که تصمیم می‌گیرد عهد خود را به انسان اعطا کند. این عهد که متضمن ارتباط و مکالمه پیوسته‌ای میان خدا و انسان در طول زمان است، سه بار در تورات تکرار می‌شود:

۱. پس از فرونشستن طوفان، خدا با نوح و خانواده او و اعقاب ایشان و تمامی حیواناتی که در کشتی بودند، یعنی با همه موجودات زنده، عهد می‌بندد که دیگر زمین را روان نه‌ازد و حیات را از میان نبرد و به نشانه این عهد، رنگین کمان را در ابرها بنوهد. (پس: ۱۷/۱-۱۷/۹). این عهد همگانی است.

۲. خدا پس از وعده و برکتی که به ابرام می‌دهد، با او و اعقابش عهد می‌بندد. در پی: ۱۵، برای تأیید عهد خود، به شکل مشعلی آتشین و تنوری پر دود از میان حیوانات دو نیم شده تنه‌ای کنده می‌شود. (پس: ۱۷، عهد خویش را با ابرام استوار می‌سازد و از آن پس، او را ابراهیم می‌نامد). ختنه و همچنین عهد مقرر می‌دارد. همچنین ابراهیم را آگه می‌سازد که نازاری را در عود، سرزمین کنعان است (پس: ۱۷/۸). ساره، همسر ابراهیم، اسحاق را به دنیا می‌آورد که فرزند وعده و میراث عهد است. خدا وعده‌های خود را با اسحاق و یعقوب تجدید می‌کند.

۳. عهدی که به میانجی موسی منعقد می‌گردد، به تمامی قوم اسرائیل تعمیم می‌یابد. خدا این قوم را برای عهد خویش برمی‌گزیند، اما این گزینش مستلزم آن است که آنان راههای خدا را طی کنند و احکام و قوانین او را به اجرا درآورند. فرمان در کوه سینا بر موسی نازل می‌گردد (خرو: ۱۷/۲۰-۱۷ و تث: ۱۷/۵-۱۸ و پس از آن مجموعه‌ای از قوانین و دستورها بدان افزوده می‌شود. قوم اسرائیل برای نیکبختی‌شان مستلزم آن است که خدا به ایشان اعطا می‌کند، باید این فرمانها را به جای آورند (تث: ۲۸/۱-۲۸/۲۸). خدا می‌دهد که از قوم خود در برابر دشمنانشان حمایت کند (تث: ۱۸/۶-۱۹).

آنگاه عهد به میانجی موسی منعقد می‌گردد. موسی قربانگاهی در پای کوه سینا بنا می‌کند و بهر هر کدام از اسباط اسرائیل لوحی برپا می‌دارد (خرو: ۲۴) و امر می‌کند که قربانیهای ذبح‌کردنی به خداوند تقدیم کنند. موسی کتاب عهد را برای قوم می‌خواند و با پاشیدن خون، عهد خدا را با ایشان استوار می‌سازد.

تاریخ به روایت کتاب مقدس

کتاب مقدس دارای بُعد تاریخی بسیار مهمی است که از دیرباز مورد توجه محققان و مورخان بوده است. نکته مهمی که در این خصوص باید مد نظر قرار گیرد، تصور رایج در دنیای باستان از مفهوم تاریخ است که شبیه تصور امروزی ما نبوده است. تاریخ نگاران باستان بیش از آن که در اندیشه نقل دقیق وقایع باشند، در پی آن بودند که اسباب و علل رویدادها را عرضه دارند. بدین سبب، یک رویداد می تواند از طریق روایت های پایه نقل شود که کلید قرائت آن را به دست می دهند. اساساً تاریخی که در کتاب مقدس نقل می شود، تاریخ نجات است که از آفرینش انسان تا آخر زمان را در بر می گیرد. روایت کتاب مقدس در خدمت پیام دینی آن درمی آید که حکایت از اراده خدا برای نجات قوم خود دارد. این اندیشه دینی که متعلق به قوم اسرائیل است، با تصورات مذهبی همسایگان آنان تفاوتی اساسی دارد چرا که در اکثر ادیان باستانی مشرق زمین، خدایان بیرون از تاریخ عمل می کنند و آن ها به اندیشه آفریدگان خود درمی آیند که می توانند برای منافع ایشان کارساز باشند.

در ابتدای کتاب مقدس در نخستین فصل های کتاب پیدایش، روایت نجات در آغاز خلقت جهان و آفرینش انسان درآید. بدین سان، دیرزمانی پیش از آن که قوم اسرائیل پدید آید، خدا جهان را برپا می دهد. به انسان موهبت زیستن در نعمت و سعادت را اعطا می کند. در روایت های مبادی جهان، خدا یگانه آفریننده همه چیز است که از هیچ، آفرینشی «نیکو» پدید می آورد (پی: ۱: ۱-۳). اما جهان آفریده شده، به سبب بی اعتدای انسان به کلام خدا، به گناه آلوده می شود (پی: ۳: ۶-۷). پس گناه و بدی در جهان فروزی می گیرد، خدا اقوام سرکش را نابود (پی: ۶-۷) و پراکندگی می دهد (پی: ۱۱).

در فصل دوازدهم کتاب پیدایش، روایت در بستر تاریخی و جغرافیای آن قرار می گیرد. خدا از ابرام می خواهد که موطن خویش را ترک گوید و به سوی سرزمین مورد وعده که آن را به او نشان خواهد داد. خدا به ابرام وعده زمین و اعقاب پُر شمار می دهد و با او عهد می بندد (پی: ۱۵ و ۱۷). در این زمان، خدا نام تازه ای به ابرام می دهد که به دعوت او ربط پیدا می کند و آن ابراهیم است که به معنی «پدر خیل پُر شمار» است. ابراهیم نیای

قوم مؤمنان می شود، چرا که به خدا ایمان آورده است (پی: ۶/۱۵). این وعده و برکت برای پسر ابراهیم یعنی اسحاق تجدید می شود (پی: ۲۶). سپس برای پسر اسحاق یعنی یعقوب تجدید می شود، همو که اسرائیل نام می گیرد (پی: ۳۲). یعقوب - اسرائیل و پسران او به مصر فرود می آیند و زاد و ولد می کنند و شمار آنان فزونی می گیرد. اما کثرت ایشان موجب نگرانی مصریان می شود و سبب می گردد که آنان را به بردگی درآورند.

در آن زمان که قوم اسرائیل در مصر به بردگی درآمده اند، خدا بر موسی پدیدار می شود و او را از نام چهار حرفی خود که «یهوه» است و نباید بر زبان آورده شود، آگه می سازد. *یهوه* ابراهیم و اسحاق و یعقوب است و بر آن است تا این قوم را از بندگی مصریان ببرد (خرو: ۳). پس از بلایایی که بر مصریان نازل می کند، فرعون به قوم اسرائیل اجازه می دهد که به مصر بروند (خرو: ۱۲). اینان به سلامت از دریای نیزار می گذرند، در حالی که فرعون با اربابها و همه سوارانشان در دریا غرق می شوند (خرو: ۱۴). خدا در کوه سینا به پسران ابراهیم بسته بود، با تمامی قوم تجدید می کند (خرو: ۲۴) و نتایج آن را منوط به پسران او شریعت می سازد که به موسی سپرده شده است (خرو: ۲۰). موسی طی چهل سال در اسرائیل را از راه صحرا به سوی سرزمینی می برد که خداوند به آنان وعده داده است. خروج از مصر رویداد سرنوشت سازی است که مبدل به نقطه عطف تاریخ اسرائیل می شود.

در آستانه ورود به سرزمین کنعان، قوم اسرائیل که پسران موسی، یوشع آنان را راهبری می کند، آغاز به فتح شهرهای کنعان می کنند. در آن زمان یوشع عهد خدا را با قوم اسرائیل که در شکم گرد آمده اند، تجدید می کند (یوش: ۲۴). پس از ورود به کنعان نیز کار فتح آن سرزمین را دنبال می کنند. خدا رؤسای قبیله و دینی، یعنی داوران (داو: ۲)، را بر ایشان می گمارد. در زمان داورى سموئیل اسرائیلیان از او می خواهند که پادشاهی بر آنان بگمارد (۱ سم: ۸). خدا قوم را از این کار بر حذر می دارد، اما در نهایت با خواسته ایشان موافقت می کند. از این زمان، نهاد پادشاهی شکل می گیرد و شائول نخستین پادشاه اسرائیل می شود.

پس از شائول، داود به پادشاهی می رسد. وی اورشلیم را فتح می کند و در حدود

سال ۱۰۰۰ ق م آن را به پایتختی برمی‌گزیند. داود مسیح خدا و منجی مبعوث شده از سوی او است. خدا به میانجی پیامبر خود ناتان، به داود می‌گوید که همواره یکی از اعقاب او را بر تخت پادشاهی خواهد نشاند (۲ سم: ۷). این وعده پایه‌گذار امید قوم به ظهور منجی در آینده می‌شود و برای مسیحیان در عیسی تحقق می‌یابد.

سلیمان که جانشین داود می‌شود، در اورشلیم معبدی بنا می‌کند (۱ پا: ۶-۸) تا قوم اسرائیل در آن خدا را پرستش کنند. اما چون عهد و فرایض خدا را نگاه نمی‌دارد و زنانی از اقوام بیگانه می‌گیرد و معابدی برای خدایانشان بنا می‌کند (۱ پا: ۱۱)، خدا به زودی سرزمین او را دو پاره و به دو مملکت شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند.

مملکت شمالی که «اسرائیل» نام دارد (۲ پا: ۱۷) و پس از آن زوال مملکت جنوبی که «یهودا» خوانده می‌شود (۲ پا: ۲۴) و تبعید قوم به بابل، از دیدگاه مؤلفان کتاب مقدس به مثابه خیانت به عهد درک می‌شود. پس از تبعید، «بازمانده اندک شماری» به سرزمین خود بازمی‌گردد.

داده‌های تاریخی

امروزه با استناد به مدارک ریخته‌سنگی یافته‌های باستان‌شناسی، در خصوص تاریخ قوم اسرائیل چه می‌توان گفت؟ نام پادشاه اورشیم و گروه‌های مسلح بیابانگرد که از بین‌النهرین آمده بودند، یعنی قوم هَپِیرو^(۱) که احتمالاً همان عبرانیان می‌دانند، برای نخستین بار در نامه‌های مصری تلّ العمارنه (سده ۱۸ ق م) آمده است. نام اسرائیل در لوحه فرعون مصر مِرْنِپْتاح^(۲) (حدود ۱۲۱۰ ق م) ذکر شده است. رجه‌ای که پیروزیهای فرعون بر اقوام آسیایی را روایت می‌کند. یافته‌های باستان‌شناسی در کنعان، مؤید فقر زیستگاه در آغاز سده ۱۳ ق م است که می‌تواند به کشمکشهای مهاجران ورود قوم اسرائیل به سرزمین کنعان ربط داشته باشد.

اتحاد اسباط دوازده‌گانه اسرائیل تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری هویت ملی ایشان داشت. این اتحاد در سده‌های یازدهم - دهم ق م، در عهد شائول و داود و سلیمان، به نقطه

(1) Hapirou

(2) Merneptah

اوج رسید. در دوران پادشاهی داود، اسرائیل به راستی وارد تاریخ شد. پسر او سلیمان دولتی متمرکز تشکیل داد و مناسبات خود را با اقوام مجاور گسترش بخشید. اما پس از او، سرزمین دو باره شد: از یک سو مملکت شمالی، یعنی اسرائیل، که یسوعام بر آن حکمرانی می‌کرد و پایتخت آن سامره بود، و از دیگر سو مملکت جنوبی، یعنی یهودا، که یسوعام بر آن فرمان می‌راند و اورشلیم پایتخت آن بود.

مارگن دوم، پادشاه آشور، مملکت شمالی را در ۷۲۲ یا ۷۲۱ ق م به تصرف درآورد. جمعیت آن را به نینوا تبعید کرد. نبوکدنصر، پادشاه بابل، مملکت جنوبی را در ۵۹۷ و سپس در ۵۸۷ فتح کرد و اورشلیم را به تصرف درآورد و دو تبعید را سازمان داد. در هنگام فتح دوم (۵۸۷ ق م)، معبد اورشلیم و خود اورشلیم ویران شدند.

کوروش پادشاه هخامنشی، که قلمرو او از رود سند تا کرانه‌های مدیترانه و دریای اژه گسترده بود و در دلب تقدس او به عنوان مسیح (اش: ۱/۴۵) و شبان یهوه (اش: ۲۸/۴۴) یاد شده است، پس از آنکه در ۵۳۹ ق م نبویدوس پادشاه بابل را مغلوب کرد، به یهودیان اجازه داد به سرزمین بازگردند و معبد اورشلیم را از نو بسازند و شعائر دینی خود را به جای آورند. البته همه یهودان بازنگشتند و معبد دوم ساده‌تر از معبد نخست بنا گشت. اسرائیل به تدریج مبداء حکومت دینی با استقلال نسبی شد.

جانشینان اسکندر در مصر که لاگوسیان^(۱) بودند در حدود ۳۲۰ ق م یهودیه را تابع خود ساختند. سپس یهودیان در حدود ۲۰۰ ق م با سیلا سلوکیان درآمدند. در این زمان فشار یونانی‌مآبی شدت یافت و آزارگری آنتیوخوس یفانوس بالا گرفت و اینها سبب شورش یهودیان شد. در حدود ۱۶۵-۱۶۴ ق م، قیام رادس مکی روی داد که در نتیجه آن یهودیان آزادی دینی و سپس استقلال سیاسی خود را باز یافتند. در ۱۳۴ ق م، یوحنا هیرکانوس قلمرو خود را وسعت بخشید و جانشینان او که اسکانیون حشمونی بودند نیز چنین کردند.

پومپئوس در ۶۳ ق م اورشلیم را تصرف کرد. رومیان اشغالگر در زندگی سیاسی و دینی قوم یهود مداخله می‌کردند. در ۷۰ میلادی، پس از چهار سال شورش یهودیان،

(۱) Lagides، سلسله پادشاهان مقدونی مصر (۳۲۳-۳۰ ق م) که بطلمیوس اول، پسر لاگوس، آن را بنیاد نهاد.

رومیان دگر بار اورشلیم را به تصرف درآوردند و معبد را به آتش کشیدند و ساکنان این شهر را قتل عام و تبعید کردند. پس از دومین قیام یهودیان در ۱۳۲-۱۳۵ میلادی، امپراتور هادریانوس فرمان داد تا اورشلیم را ویران سازند و آن را آئلیا کاپیتولینا^(۱) به معنی «شهر یوبیتر کاپیتولینوس» نام نهاد و اقامت یهودیان را در آن ممنوع کرد.

نگارش کتاب مقدس

کتاب مقدس که راوی کلام خدا است، به دست انسانها به نگارش درآمده است. از این رو، تحریر و تدوین نوشته‌های این اثر تابع قوانین فرهنگی زمان خود بوده است. متن کتاب مقدس پیش از آن که به شکل تثبیت شده خود درآیند، تاریخ درازی را پشت سر نهاده‌اند. متنهای طی زمانی طولانی و به صورتی بطی، به دست مؤلفانی که اغلب گمنام بوده‌اند و در دوره‌های مختلف می‌زیستند، تدوین و تنقیح و تکمیل شده‌اند. کهن‌ترین عناصر سازنده عهد عتیق به حدود سده یازدهم یا دهم ق م و جدیدترین آنها به حدود سده اول ق م برمی‌گردد. کتابهای عهد جدید طی زمانی بس کوتاه‌تر، حدوداً میان سالهای ۵۰ تا ۱۲۰ میلادی، تصانیف شده‌اند.

بسیاری از متنهای عهد عتیق پیش از آن که به نگارش درآیند، به صورت شفاهی و به تعبیری «سینه به سینه» منتقل می‌شدند. این روند انتقال که برای انسان امروزی دور از ذهن می‌نماید، در مشرق‌زمین کهن رایج بوده است. قوم اسرائیل با روایتی که نسل به نسل منتقل می‌شدند، تاریخ خود را به خاطره می‌سپردند و از آن یاد می‌کردند. این «سنت‌های شفاهی» دربرگیرنده تفسیرهای مربوط به تاریخ قوم و نیز بودند و تکوین آنها حتی پس از مرحله نگارش، ادامه می‌یافت و کامل می‌شد. در کتاب مقدس آمده است که موسی کلامهای خدا را می‌نگاشت (رو ۴/۲۴). با این حال، نخستین خاطرات تاریخ قوم اسرائیل احتمالاً در دوره داوران گردآوری شده‌اند (سده‌های دوازدهم و یازدهم ق م). تحریر این متنها در زمان پادشاهی داود و سلیمان ادامه یافت (سده‌های یازدهم و دهم ق م) و در عهد حزقیال (سده هشتم ق م) و پس از تبعید

(1) Aelia Capitolina

به بابل (سده ششم قم) نگارش سنتهای دینی تنقیح و تکمیل شد. تبعید به بابل اهمیت ویژه‌ای در تاریخ تدوین کتاب مقدس داشت. قوم اسرائیل که از پادشاه و سرزمین و معبد خود محروم شده بودند، این نیاز مبرم را احساس می‌کردند که مجموعه روایات و متنهای تشریعی و سرودهای روحانی خویش را که عامل پیونددهنده ایشان با خدا بودند، گرد آورند و آنها را کامل سازند. از این روی، آغاز به کار نگارش کتاب کردند و پس از هیتی تازه یافتند و «قوم کتاب مقدس» شدند.

متنهای مسیحی خیلی زود صاحب روایتهای شفاهی مصائب عیسی و سرودهای آیینی شدند که حکایت مرگ و قیام پس از مرگ مسیح می‌کردند. این روایات آنگاه که به نگارش درآمد، با کلامها و حکایتهای زندگی عیسی ترکیب شدند و سپس با وقایع کودکی او کامل شدند. بدین مان، چهار انجیل که امروزه شناخته شده‌اند، شکل گرفتند. اگرچه متن انجیل به زبان یونانی به دست ما رسیده است، اما این احتمال وجود دارد که پاره‌ای از قطعه‌های آنها نخست به زبان آرامی نگاشته شده باشند.

انجیلهای مَتّی و مَرْقُس و لوقا نخستین بر روایتهای مسیحی هستند که می‌توانند به موازات هم قرار داده شوند و نظیر یکدیگر به سر و پای ما سبک انجیل یوحنا نسبت به سه انجیل نخست متفاوت است. مفسران کتاب مقدس عقیده دارند که در تألیف انجیلهای مَتّی و لوقا، از انجیل مَرْقُس استفاده شده است، بدان سبب که در انجیل یاد شده به تمامی مواد انجیل مَرْقُس نظم و ترتیب بخشیده‌اند و عناصر خاصی را به آنها افزوده‌اند که امروزه منبع آنها بر ما ناشناخته است. تألیف متأخرترین نوشته‌های عهد جدید در اوایل سده دوم میلادی به پایان رسیده است.

مؤلفان و مستنسخان کتاب مقدس

مؤلفان کتاب مقدس و کاتبانی که نوشته‌های ایشان را استنساخ می‌کردند، تصویری از اثر مکتوب داشتند که با برداشت امروزی ما متفاوت است. شمار افراد باسواد اندک و نوشت افزار کمیاب و گران قیمت بود. نوشتن برای اهدافی انجام می‌شد که دارای کارکرد و فایده قطعی اجتماعی بود و متن مکتوب بیشتر منعکس کننده اعتقادات یک جماعت

بود تا عقاید شخصی یک فرد. کتاب مقدس اندک اندک و به صورت بطیء شکل گرفت. سنتهای شفاهی و استاد پراکنده به تدریج گرد آورده شدند و سپس به اهتمام کاتبان به صورت کتابهایی تدوین گشتند. نگارش متنهای کتاب مقدس چند سده به درازا کشید و میان مرحله نهایی تحریر نوشته‌ها و کتابت آنها، زمانهای طولانی سپری گشت. البته باید اذعان داشت که این فاصله زمانی در سایر آثار باستانی نیز به چشم می‌خورد. کشف طومارهای بحرالْمیت در غارهای منطقه قُرآن، در ۱۹۴۷، امکان دسترسی به نسخه‌های خطی کهنی را فراهم آورد که جدیدترین آنها متعلق به سال ۷۰ میلادی و قدیمی‌ترین آنها هزار سال کهن‌تر از قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی موجود بودند. مقایسه میان نسخه‌های خطی عبری سده دهم میلادی و نسخه‌های خطی یافت شده در قُرآن، امانت بسیار نزدیکی میان نسخه‌ها را در انتقال متنهای کتاب مقدس آشکار ساخت، چرا که این متنها صرفاً از بخون و تغییرات بسیار جزئی شده بودند و کار استنساخ آنها با دقت زیاد انجام پذیرفته است. کاتبان معتقد به ارزشهای دینی این متنها بودند، چگونه می‌توانستند به خود اجازتی بدهند و کم‌دقتی در انتقال آنها دهند؟

نوشت افزارهای مختلف

شیوه کار مؤلفان و کاتبان باستانی در نظر سلسله امروز که در عصر تبادل سریع و انبوه اطلاعات زندگی می‌کند، می‌تواند ابتدایی و پُر شک و شبهه باشد. اما برای آنان نوشتن و استنساخ کردن به منزله هنری بود که صرفاً در خدمت حفظ اشاعه مکتوبات پس ارزشمند درمی‌آمد. در دوران باستان همه گونه مواد کافی و گوناگونی برای کتابت مورد استفاده قرار می‌گرفتند. قطعه‌های سفالین و لوحهای گلی یا موم و پوستادی بودند که برای نوشتن و نگاه داشتن حسابه‌ها و انجام مکاتبه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفتند. متنهای مهم‌تر روی مواد اعلاتری همچون پاپیروس و پوست حفظ می‌شدند.

پاپیروس یا پردی، گیاهی مانند بزرگی بود که بر کرانه‌های رود نیل و در نواحی باتلاقی پیرامون مدیرانه می‌روید. از باریکه‌های این گیاه ورقه‌هایی می‌ساختند و از آنها برای نگاشتن متنها استفاده می‌کردند. ورقه‌های پاپیروس شکننده بودند و اگر در

معرض رطوبت قرار می گرفتند، به مرور زمان می پوسیدند. بدین سبب، پاپیروسها را در صندوقها یا کوزه‌ها نگاه می داشتند. پاپیروسها که در آب و هوای خشک نواحی خاور نزدیک باقی می ماندند، در مصر و قرآن (در اردن) به وفور یافت شده اند.

از پوست گاو و گوسفند یا بز نیز برای نوشتن متنها و تهیه پوست نوشته ها^(۱) استفاده می کردند. ابتدا پوست را در دوغاب آهک می خیساندند تا نرم بماند، سپس سطح آن را صاف می ساختند و پرداخت می کردند. پوست نسبتاً گران قیمت بود و متن مکتوب را مبدل به شیء جمعی می کرد. در سده های میانه، نوشتن یک کتاب نیازمند پوست تعداد زیادی دام بود و بر این اساس که برای این پوستها نگاشته می شد، کاتب باید سالهای زیادی از عمر خود را وقف این کار می کرد؛ با این حال، پوست محمل کارآمد و مقاومی برای نوشته ها بود که از سده ششم در بین النهرین به کار برده می شد. این امکان وجود داشت که بر پشت و روی پوست نوشته شود. اغلاط با تراشیدن ملایم سطح پوست پاک می شدند. از این روی، اندک اندک یک جایگزین پاپیروس شد. در سده های میانه برای نوشتن کتابهای نفیس از پوست لطیف عشاء که برده به دنیا می آمدند^(۲)، استفاده می کردند. سرانجام در سده نخست میلادی کاغذ ساخته شد و به زودی به مغرب زمین راه یافت. اما تنها پس از آن که گوتمبرگ در ۱۴۵۵ ماشین چاپ را اختراع کرد، کاغذ به طور گسترده ای مورد استفاده قرار گرفت.

متن کتاب مقدس را بر طومارهایی می نگاشتند که به لاتین volumina خوانده می شدند (صورت مفرد آن volumen بود). نخستین مسیحیان، میان سده های اول تا چهارم میلادی، متنهاي خود را در دفترهایی با ورقهای دوخته شده می نگاشتند که نیاکان کتابهای امروزی بودند و به لاتینی codices نامیده می شدند. صورت مفرد آن codex بود). از آن دوره به بعد، کاربرد طومار به تدریج کنار گذاشته شد.

زبانهای کتاب مقدس

ترجمه های نوین کتاب مقدس برای خوانندگان امروزی چنین تصویری پدید می آورند

(1) parchemins

(2) vélin

که متنهای تشکیل دهنده این اثر دارای گونه‌ای وحدت زبانی بوده‌اند. حال آن که در نسخه‌های خطی کهن چنین وحدتی به چشم نمی‌خورد. از سویی، کتابها به چند زبان نگاشته شده‌اند و از سوی دیگر، حتی در یک کتاب، الفاظ یا قطعه‌هایی به زبان دیگر به چشم می‌خورند که از چند واژه تا چند آیه و چند فصل را شامل می‌شوند.

زبان اصلی کتاب مقدس عبری است. سراسر عهد عتیق به این زبان تألیف شده است، البته به جز از: ۱۱/۱۰؛ دان: ۲/۴-۷/۲۸؛ عز: ۴/۸-۶/۱۸؛ ۷/۱۲-۲۶ که به زبان آرامی نگاشته شده‌اند. عبری به رده زبانه‌های سامی تعلق دارد و زبان سرزمین کنعان در دوران باستان بوده است. در واقع، زبان عبری اکثر کتابهای عهد عتیق، زبان شعاری رایج در فلسطین در هزاره اول ق م بوده است. در اش: ۱۸/۱۹ نیز از عبری به عنوان «زبان کنعان» یاد شده است. عبری مانند سایر زبانهای سامی، به ویژه آرامی و عربی، دارای خطی بوده که در آن تنها همخوانها یا صامت‌ها نگاشته می‌شدند و این خصوصیت از دیرباز مشکلاتی در قرائت و تثبیت صورت نهایی متنها پدید می‌آورد.

عبری زبانی آهنگین است که بر آن از جناس استفاده می‌شود. همچنین استعارات زیادی در آن به کار می‌رود. مثلاً از «سنگ» به سنگ پاگیری تعبیر می‌شود که سبب سقوط انسان می‌گردد و «رحمت» حس است که احشاء را فرامی‌گیرد. صرف افعال در این زبان تنها شامل دو حالت می‌شود: عمل انجام شده که غالباً با گذشته تطابق می‌یابد و عمل انجام نشده که اکثراً با آینده منطبق می‌شود. لغات زمانهای گذشته و حال و آینده به اقتضای بافت متن مشخص می‌شوند و صورت فعل آنها بین عمل انجام شده و عمل انجام نشده است. این مشخصات بیانگر دشواریهایی است که در ترجمه عبری پدید می‌آید و نمایانگر سبک خاصی است که متن ترجمه شده به دست می‌آورد. زیرا اغلب اوقات بافت متن نشان می‌دهد که عمل در گذشته واقع می‌شود یا آینده، اما بسیار پیش می‌آید که متن معنی روشنی ندارد و بسیاری از اختلافات ترجمه‌های کتاب مقدس از اینجا نشأت می‌گیرند. با این همه، عبری از سده دوم میلادی به عنوان زبان متون مقدس و تعالیم دینی و شروح زبانی و مناسک مذهبی یهودی باقی مانده است.

همان طور که پیش از این گفته شد، در عهد عتیق قطعه‌های به زبان آرامی نیز به

چشم می‌خورند که در قیاس با متنهاى عبری، حجم بسیار اندکی را به خود اختصاص می‌دهند. آرامی نیز به خانواده‌ى زبانهاى سامی تعلق دارد، اما ساده‌تر از عبری است. در دوران مسیح، در فلسطین به زبان آرامی تکلم می‌شد و خود عیسی آرامی زبان بود. از سده‌ى اول ق م، متنهاى عبری را که در کنیسه‌ها خوانده می‌شدند، به زبان آرامی ترجمه و شرح می‌کردند و این ترجمه‌هاى همراه با شرح را ترگوم^(۱) می‌نامیدند. زبان مردم جلیل که عیسی الهججه‌هاى آرامی بود، زبان مادری عیسی و رسولان او بود.

سپتام باید از یونانی یاد شود که زبان عهد جدید و برگردانه‌هاى مهمی چون ترجمه هفتاد و دو^(۲) است. کتابهاى قانونی ثانی^(۳) نیز به یونانی و از طریق ترجمه هفتاد و دو ما رسیده‌اند. این کتاب عبارتند از: طویا، یهودیت، اول و دوم مگایان، باروک، حکمت سلیمان، حکمت سیرا، و کتابهاى ایشیر و دانیال. عنوان «قانونی ثانی» را سیکستوس سینایی^(۴) که بود در مسیحیت گرویده و پیرو فرقه دومیکیان بود، در سده شازدهم میلادی برای این نوشته‌ها وضع کرد. زبان یونانی عهد جدید و ترجمه هفتاد و دو، «کوینه»^(۵) یا «زبان عام» نام دارد و صورتی از زبان یونانی است که از سده چهارم ق م تا چند سده بعد از میلاد در یونان و شرق زمین یونانی مآب رواج داشته است.

تفکیک دو «عهد»

کتاب مقدس دربرگیرنده مجموعه‌اى از نوشته‌ها است که یازده تفکیک و رده‌بندی هستند. مسیحیان این نوشته‌ها را در دو مجموعه بزرگ تحت عنوان «عهد عتیق» و «عهد جدید» رده‌بندی کردند. عنوان نخست برگرفته از کلام پولس است که در یکی از رساله‌هاى خود، از «عهد عتیق» سخن می‌گوید (۲ کر: ۱۴/۳). عنوان دوم مآب از کلام عیسی در شام آخر (لو: ۲۲/۲۰) و سپس پولس (۲ کر: ۶/۳) است که از «عهد جدید» سخن به میان می‌آورند. مسیحیان برای جلوگیری از ایجاد این تصور که هرآنچه عتیق است، منسوخ شده نیز هست، گاه عهد عتیق را عهد «نخست» نامیده‌اند. در فراسوی

(1) targum

(2) Septante

(3) livres deutérocanoniques

(4) Sixte de Sienn

(5) koïnè

این نام‌گذاریها و عناوین، نکتهٔ اساسی این است که یگانگی دو عهد درک شود و در عین حال، ویژگیهای هر کدام از آنها مورد توجه قرار گیرد.

بدین سان، مسیحیان کتاب مقدس عبرانی را از یهودیان گرفتند و عهد جدید را به آن افزودند. البته یهودیان عهد جدید را جزء کتاب آسمانی خود نمی‌شمارند. امروزه متون کتاب مقدس و ترتیب توالی آنها نزد جماعت‌های مختلفی که از این کتاب استفاده می‌کنند، صورتهای متفاوتی دارد.

کتاب مقدس عبرانی

کتاب مقدس عبرانی تنها شامل کتابهای عبری می‌شود. مسیحیان این مجموعه را «کتابهای یونانی اول»^(۱) نیز می‌نامند. کتاب مقدس عبرانی دارای سه بخش است: تورات، نبییم و کتوبیم. یهودیان نخستین حروف عناوین این سه بخش را برگرفتند و از آنها نام اختصاری ساختند و می‌خوانند که عنوان کتاب آسمانی آنان است.

تورات که همان عهد متناهی است، منشور عهد میان خدا و قوم او است. تورات از پنج طومار تشکیل می‌شده و در این سری از یونانی آن را *he pentateuchos* به معنی «کتاب پنج جلدی» می‌نامیدند.

نبییم مشتمل بر پیامبران متقدم و پیامبران متأخر است. پیامبران متقدم که در سنت اسکندرانی تحت عنوان کتابهای «تاریخ» شناخته می‌شوند، از بسط عهد الهی در تاریخ حکایت می‌کنند. پیامبران متأخر دربرگیرنده اعلامیه است که انبیا خطاب به قوم اسرائیل اعلام کرده‌اند.

کتوبیم که همان مکتوبات است، مشتمل بر کتابهای عبری و عربی و حکمت و دعاها و روایت‌های تهذیبی است. در میان این مکتوبات، پنج کتاب به نام «مگیلوت»^(۲) به معنی «پنج طومار» خوانده می‌شوند که عبارتند از: غزل غزلها، رُز، مثنوی، امعه و ایشتر. این کتابها در پاره‌ای از اعیاد بزرگ یهودی به عنوان پاسخ آیینی قرائت پنج طومار تورات خوانده می‌شوند.

(1) livres protocanoniques (2) Hamesh megillot